

شیعیان جمهوری آذربایجان در گذر زمان



جمهوری آذربایجان که یکی از مناطق مهم شیعه‌نشین در جهان اسلام به شمار می‌آید، از دیر باز علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام معرفی کرده؛ علمای آذربایجان در خارج کشور خود هم مشهورند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه، عربستان و... علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته بودند.

به گزارش آران نیوز: به نقل از سرویس بین الملل خبرگزاری «حوزه»، کشور آذربایجان دومین کشور شیعی جهان اسلام می باشد که در مرز های شمالی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و قرابت های مهم فرهنگی، دینی و تاریخی با ایران دارد. جمهوری آذربایجان بعد از استقلال از شوروی همانند سایر جمهوری های این کشور در صدد بازگشت به هویت خود و به دست آوردن هویتی مستقل از دوران شوروی بوده و این امر چندین سال است که ادامه دارد، در همین راستا این موضوع، اهمیت آشنایی با وضعیت دین و آئین مذهبی در آن دیار را برای ما دو چندان می کند که مطلب ذیل به همین موضوع پرداخته است:

مقدمه :

سرزمین آذربایجان مساحتی به اندازه ۸۶ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع را در بر می گیرد. این سرزمین منطقه مورد مناقشه ناگورنو-قره باغ که بیشتر ساکنان آن ارمنی هستند، و جمهوری ناپیوسته نخجوان را نیز که به واسطه مرزهای ارمنستان از آذربایجان شده است، شامل می شود. نخجوان از جنوب و غرب با ایران و ترکیه هم مرز است. آذربایجان در کناره های باختری دریای خزر قرار دارد. این جمهوری از شمال با فدراسیون روسیه، از شمال غربی با گرجستان، از غرب با ارمنستان و از جنوب با ایران هم مرز است.

جمعیت آذربایجان در سال 2015 برابر 9.533.713 نفر برآورد شده است. با این حال جمعیت این کشور در سال 2000 میلادی برابر 8 میلیون و 81 هزار نفر برآورد شده بود. بر طبق سرشماری سال 1998 آذربایجانی ها 82.7 درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دادند اما این اندازه به دلیل نرخ بالای زاد و ولد و مهاجرت غیر آذری ها به نزدیک 90 درصد رسیده است. جمعیت آذری ناگورنو-قره باغ و تعداد زیادی از آذربایجانی هایی که در ارمنستان زندگی می کردند (در حدود 200 هزار نفر) در اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990 به درون خاک آذربایجان کوچ داده شدند. در کل در حدود یک میلیون پناهنده و بی خانمان در آذربایجان وجود دارند.

هویت ملی و قومیتی شیعیان: شیعیان جمهوری آذربایجان

در اوایل قرن بیستم روشنفکران سکولار آذری کوشیدند تا از راه فعالیت سیاسی، آموزش و آثار مکتوب خود نوعی اجتماع ملی در این منطقه پدید آورند. آرمان هایی همچون مردم گرایی، ترک گرایی و دموکراسی در این دوره رواج بسیاری یافته بود. فرهنگ مردم جمهوری آذربایجان بنا به موقعیت جغرافیایی و میراث تاریخی متأثر از فرهنگ های مختلف منطقه قفقاز و خاورمیانه از جمله فرهنگ های ایرانی، ترکی، روسی و اسلامی است. امروزه فرهنگ غربی با شدت بسیار رایج می گردد. به جز اکثریت آذربایجانی مردم ملت های متفاوتی مانند ارمنی ها، کردها و تالشی ها در جنوب و شرق و لزگی ها و یهودی ها و تات ها در شمال به گوناگونی زبان ها و فرهنگ رایج در این کشور افزوده اند. ایجاد هویت ملی آذری در واکنش به رژیم استعماری و بهره کشی بر اساس مفاهیم نژادی، عناصری را از هر دوی سنت های اسلامی و غیر اسلامی، همچنین آرمانهای غربی همچون لیبرالیسم و ناسیونالیسم در بر گرفته است. همچنین مفهوم هویت ملی آذری در دوره شوروی ترویج داده می شد. میراث فرهنگی نوشتاری یا مکتوب و بسیاری از چهره های تاریخی در عرصه های هنر و سیاست به تقویت و تایید تلاش برای ایجاد یک ملیت مستقل در پایان عمر رژیم شوروی پرداختند. احساسات ناسیونالیستی بر ضد حاکمیت شوروی در دوره زوال حاکمیت شوروی که احساسات ضد ارمنی بر شدت آن می افزود به مهم ترین نیروی برانگیزاننده جنبش های مردمی بازسازی ملی تبدیل شد.

شیعیان در جمهوری آذربایجان :

اکثریت جمعیت جمهوری آذربایجان را شیعیان تشکیل می دهند و آذربایجان دومین کشور شیعی جهان به شمار می رود. با این وجود، تفکر شیعی در جمهوری آذربایجان بسیار متفاوت از تشیع در کشور هایی چون ایران و عراق است. تشیع در آذربایجان تحت تاثیر نظام سیاسی سکولار آذربایجان در دهه های گذشته چه قبل و چه بعد از استقلال، چندان به سمت اسلام سیاسی و جنبش های دینی سوق پیدا نکرده است. (کوزه گر کالجی، 1393، ص 38) مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان هم زمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. (اشرافی، 30 مهرماه 1393) (جباری، 1389، ص 26)

ورود اسلام به جمهوری آذربایجان :

دین اسلام در قرن هفتم میلادی توسط اعراب به سرزمین های ایرانی آن سوی ارس نفوز کرد و به تدریج، جایگزین دین مسیحیت شد. پیشروی مسلمانان در قفقاز، از آذربایجان ایران شروع شد. در سال 642 میلادی، مردم دربند با اسلام آشنا شدند

و دین اسلام اندکی پس از آشنایی مردم آذربایجان با آن، به صورت دین اصلی آنها درآمد و به عنوان دین مسلط تا امروز تداوم یافته و از زمان ظهور صفویان در این منطقه رشد و گسترش پیدا کرده است. (جعفریان، 1388، ص 642 643)

رواج تشیع در جمهوری آذربایجان:

ظهور دولت صفوی موجب رسمیت یافتن تشیع و احیای هویت و وحدت مناطق گوناگون ایران گردید. رواج و تداوم تشیع در جمهوری آذربایجان را می توان در سه دوره متفاوت بررسی کرد: دوره اول: از زمان ظهور صفویه و رسمیت تشیع تا زمان اشغال این مناطق توسط روسیه تزاری؛ دوره دوم: از زمان اشغال این کشور تا فروپاشی اتحاد شوروی؛ و دوره سوم: نیز از زمان استقلال تا عصر حاضر را شامل می شود. (جعفریان، 1388، ص 642)

اسلام و تشیع در دوره تزارها در جمهوری آذربایجان:

پس از شکست ایران در نبرد با امپراتوری روسیه و امضای معاهدات ننگین گلستان و ترکمان چای، مناطق شمالی ارس به اشغال امپراتوری روسیه درآمد. روابط روسیه تزاری با اسلام و مسلمانان تا حد چشمگیری به وسیله نقطه نظرات کلیسای پرو-اسلاو تعیین می گردید. میسیونرهای مسیحی پرو-اسلاو عموماً در مناطقی که اسلام ضعیف بود و مسلمانان با مسیحیان درآمیخته بودند، فعالیت های گسترده ای داشتند. در این دوره تزارها با هدف نظارت و کنترل مسایل دینی و نیز قطع رابطه مسلمانان با حوزه های دینی ایران و عراق و نیز مراجع تقلید، به تاسیس اداره روحانیان و تربیت طلاب وابسته به خود پرداختند. روسیه تزاری نیز برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان، به تحریک و تفرقه بین ایشان می پرداخت و به منظور استحاله فرهنگی مردم در فرهنگ روسی، به تاسیس مدارس روسی و اعطای زمین، رتبه نظامی، نشان، حقوق بازنشستگی به علما برای جلب حمایت آنان اقدام می نمود. در اواخر دوره تزار، جمهوری آذربایجان تحت تاثیر روشنفکران مسلمان به سمت سکولاریستی شدن پیش رفت. در فاصله بین سال های 1905 تا 1917 میلادی افرادی ظهور کردند که در مجلات و جراید محلی برخی از مراسم های شیعی مانند برپایی مراسم عاشورا و برخی سنت های قدیمی و مذهبی را مورد انتقاد قرار می دادند. در مقابل این تحركات، علمای دینی با نوشتن برخی مطالب سعی می کردند عدم مخالفت دین با علم را نشان دهند. (جباری، 1389، ص 28 - 29)

تشیع در دوران کمونیسم در جمهوری آذربایجان: شیعیان جمهوری آذربایجان

با سقوط تزاریسم، به مدت هفتاد سال کمونیسم بر مناطق مسلمان نشین به ویژه آذربایجان، سایه افکند و به اجبار دین و مذهب برای مدتی از صحنه عمومی جامعه کنار رفت. در این دوره حکومت شوروی سابق برای جلوگیری از تجمع مردم برای انجام اعمال دینی، به ویران کردن مساجد پرداخت. در جمهوری آذربایجان در سال 1930 میلادی بیشتر مساجد تعطیل شدند و یا کاربری آن ها تغییر داده شد و با قطع ارتباط مناطق مسلمان نشین با سایر ملت های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، به پیشبرد اندیشه دین افیون ملت ها، و ترویج آن پرداختند. در جنگ جهانی دوم، موقتا حکام وقت دست از برنامه های خود برداشتند اما با پایان یافتن جنگ، اعمال محدودیت ها دوباره آغاز شد و تا سال 1960 میلادی تمام فعالیت های مذهبی و انجام واجبات دینی به صورت مخفیانه انجام می شد. در این سال ها به بعد سیاست شوروی مبتنی بر نوعی تسامح بود تا از اسلام به نفع دولت بهره ببرد. از سیاست های دیگر ایشان در آذربایجان برای قطع پیوند های دینی و تاریخی مردم با گذشته اسلامی و ایرانی، بر هم زدن ترکیب قومی و مذهبی منطقه با اسکان آرامنه و روس ها بود. در برخورد با تشیع، از جانب کمونیسم ها دو نوع رفتار مشهود بود: از یک سو مانند سایر مذاهب، تشیع نیز از صحنه اجتماعی بیرون راده شد و به امری خصوصی در منازل تبدیل گردید و با تعطیلی مساجد، مراسم های شیعی مانند عزاداری عاشورا نیز ممنوع شد. از دیگر سو، نفوذ مذهب در زندگی خصوصی افراد افزایش یافت، حتی در برخی محله ها به آموزش دینی محدود برای کودکان اقدام می شد. تداوم تشیع در آذربایجان در عصر استیلای کمونیسم را باید در ادامه برخی سنت ها جست و جو کرد مسائلی مانند تدفین و اعمال و مراسم مربوط به آن، ختنه، ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن و... در بقای ظاهری تشیع در این کشور دارای نقش بود. (رضایی، 1385، ص 140)

تشیع در دوران بعد از استقلال جمهوری آذربایجان:

گسستن از حکومت مسکو برای جمهوری آذربایجان همانند سایر ملل مسلمان جماهیر شوروی یک نقطه عطف برای برقراری روابط با جهان اسلام بود. این تجدید حیات اسلامی در سراسر کشور مسئله ای تابع از تأثیراتی بود که از ایران، ترکیه و برخی از کشورهای عربی در داخل کشور ایجاد می شد. پس از استقلال این کشور در سال 1991 میلادی، دین به تدریج، به عرصه زندگی اجتماعی مردم بازگشت و با آن که بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی سابق بودند و خط و مشی بی دینی و ملی گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنا به دلایل گوناگون، سعی کردند از مشروعیت و مقبولیت اسلام در چارچوب خاص خود استفاده نمایند. مردم این کشور به صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند، با این حال عاملان شریعت به ندرت در میان آنها مشاهده می شدند. با این وجود نیز دین و مذهب در خاطر مردم به روش های گوناگون حفظ شده بود، چنان که در حرکات استقلال خواهانه مردم این کشور، شعار های اسلامی مطرح گردید و در بقای دین در جمهوری آذربایجان، علاوه بر تاییدات غیبی، باید از تلاش های شیعیان و مومنان و نقش مراسم های مذهبی مرسوم و سنتی شیعیان مانند عزاداری ها، سفره های احسان، سفره های منتسب به ائمه اطهار علیهم السلام و... نام برد.

جمعیت، پراکندگی جغرافیایی، علما و احزاب شیعیان:

جمعیت شیعیان یکی از مباحث مورد اختلاف میان اصحاب علم، نهاد های حکومتی، دوایر دینی، اسلام گرایان و حتی مراکز

بین المللی آمار می باشد، عده ای از اسلام گرایان همچون حاج علی اکرام علی اف، درصد جمعیت شیعه جمهوری آذربایجان را 85 تا 90 درصد اعلام کرده و معتقد است، افرادی که درصد جمعیت شیعه کشور را پایین ذکر می کنند، اغراض سیاسی دارند. به اعتقاد آنها، اهل سنت، فقط در مناطق شمالی کشور، که پراکندگی جمعیتی پایینی دارد، متمرکز هستند. طلاب علوم دینی جمهوری آذربایجان نیز جمعیت شیعه این کشور را در حدود 83 درصد می دانند که همه شیعیان دوازده امامی هستند. همچنین دایره المعارف بریتانیکا در گزارش آماری خود رد سال 2005 جمعیت شیعیان جمهوری آذربایجان را حدود 80 درصد و در سال 2010 حدود 83 درصد ذکر کرده است. همچنین دانش نامه ویکی پدیا نیز در سال 2005 جمعیت شیعیان جمهوری آذربایجان را 80 درصد، در سال 2011 حدود 84 درصد، در سال 2014 نیز 83 درصد اعلام کرده است.

1. پراکندگی جغرافیایی:

به طور قطع نمی توان گفت آماری منتشر نشده که جمعیت شیعیان در کدام مناطق با چه میزان پراکندگی هایی قرار دارند و اگر قطعیتی نیز می توانست وجود داشته باشد، در دهه های گذشته و با فروپاشی شوروی، از یک سو به دلیل نفوذ فرقه هایی همچون سلفی ها و نورچی ها و از سوی دیگر بحران های نظامی و اقتصادی که موجب مهاجرت های جمعیتی گردیده، باعث به هم خوردن ترکیب های جمعیتی شیعیان در جمهوری آذربایجان شده است. با این حال بر اساس آمار های منتشر شده از سوی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی و مشاهدات، اخبار و سایر استنادات، شیعیان در تمامی مناطق کشور آذربایجان حضور داشته و به استثنای مناطق شمالی و منطقه شیروان در اکثریت قرار دارند. منطقه مرکزی شامل باکو و شهر های اطراف آن، مناطق جنوبی و هم مرز با جمهوری اسلامی ایران، بخصوص شهر های آستارا، لنکران، ماسالی، لریک و میل مغان از جمله شهر های جلیل آباد، بیله سوار، صابر آباد، ساعاتلی، ایمیشلی و همچنین اکثریت قریب به اتفاق جمهوری خودمختار نخجوان از اصلی ترین مناطق حضور اکثریتی شیعیان هستند.

2. علمای شیعه

جمهوری آذربایجان که یکی از مناطق مهم شیعه نشین در جهان اسلام به شمار می آید، از دیر باز علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام بخشیده است. علمای آذربایجان در خارج کشور خود هم مشهورند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه، عربستان سعودی و...، علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته اند. آنان علاوه بر اینکه در کشور خود مدرسی را تأسیس نموده اند، در کشورهای خارجی هم حوزه های علمیه بنا کرده اند. مساجد نیز در کشورهای مثل عراق و ایران، به واسطه و کمک این بزرگان ساخته شده است و اکنون نیز باقی است. بین علمایی که صاحب اجتهاد و مقامات علمی بوده اند، افرادی هم با اشغالگران روس جنگیده و شهید شده اند. برخی از آنها به دست بلشویک های شوروی کشته شده اند. مقامات علما و فضایی آذربایجان در حوزه نجف نیز همیشه قابل تقدیر و قدردانی بوده و زهد و اخلاق و علم خدایی آنان ورد زبان بوده است. (ولی اف، 1381، ص 12 - 24)

3. احزاب و گروه های شیعی اسلام گرا:

گروه های شیعی و جریان های اسلام گرای شیعی در جمهوری آذربایجان در طول سال های گذشته، پس از جدا شدن از ترکیب اتحاد جماهیر شوروی، فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته اند. شروع فعالیت های سیاسی- اجتماعی نسبتاً آشکار و حضور در صحنه های گوناگون این کشور، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجسته تر شد. آنها با عنوان "خمینی چی ها" و بیشتر از منطقه نارداران باکو ابراز وجود کردند و دست به برخی اقدامات سیاسی زدند. با از دست رفتن منطقه قره باغ و اشغال آن توسط ارامنه حیدر علی اف، با ابزار های تبلیغاتی و عوام فریبی قدرت را در دست گرفت. در ماه های ابتدایی حکومت حیدر علی اف، گروه های شیعی اسلام گرا، فعالیت قابل توجهی انجام دادند، اما بعد از چند سال، حکومت علی اف با فرا رسیدن انتخابات مجلس، محدودیت هایی برای گروه های شیعی اسلام گرا ایجاد کرد. در این مقطع فعالیت های اسلام گرایان در بعد سیاسی- اجتماعی دچار رکود قابل ملاحظه ای شد. اما بعد از آزادی برخی از رهبران گروه های اسلام گرای شیعی در سال 1379، مجدداً فعالیت های ایشان اوج گرفت. بنابراین با بیان این مطلب ادامه می دهیم که در چند سال اخیر چه در زمان حکومت حیدر علی اف و چه در زمان حکومت فرزندش، تفاوت عمده ای در فعالیت های سیاسی گروه های شیعی در جمهوری آذربایجان نسبت به گذشته مشاهده می شود و ان عبارتند از ظهور چندین جریان و تشکل سیاسی و حضور قدرتمند در صحنه های سیاسی- اجتماعی و واکنش به مسایل مختلف جهان خصوصاً جهان اسلام، مبارزه برای مقابله با حضور سیاسی- اجتماعی رژیم صهیونیستی و مبارزه با اهانت به مقدسات تشیع و مبارزه با حکومت به دلیل محدودیت های صورت گرفته برای زنان محجبه و... (جباری، 1389، ص 139 - 143) شیعیان جمهوری آذربایجان

4. احزاب و مراکز شیعی:

1. حزب اسلامی آذربایجان: این حزب مهمترین و بزرگ ترین حزب اسلام گرای شیعی است که در سال 1991 در شهرستان نارداران در نزدیکی باکو تأسیس گردید. اعضای این حزب خواهان گسترش فرهنگ اسلامی در آذربایجان بوده و برای استقلال اقتصادی و سیاسی آذربایجان، تحت حاکمیت قوانین اسلامی مبارزاتشان را آغاز نموده، هرگونه ناسیونالیسم قومی را رد کرده، شعار گسترش و توسعه فرهنگ اسلامی را در راس برنامه های خود قرار دادند. (جباری، 1389، ص 50-51)

حزب اسلامی آذربایجان را باید طرفدار اصلی اجرای الگوی نظام سیاسی و دینی ایران دانست. این حزب معتقد است که فقط اسلام قادر به ایفای نقش سازنده در ایجاد آذربایجان مستقل است و همین اعتقاد، محور اساسی ایدئولوژی حزب اسلامی آذربایجان را تشکیل می دهد. (شهیدی ارسباران، 1385، ص 162) حزب اسلامی آذربایجان هم اکنون به عنوان بزرگترین

حزب اسلام گرای شیعی در جمهوری آذربایجان و نیز همسو ترین حزب سیاسی با جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. (کوزه گر کالجی، 1393، 54 - 56)

2. حزب دموکراتیک اسلامی: گروهی از اعضای حزب اسلامی آذربایجان در نوامبر سال 2002 میلادی، گرد هم آمدند و حزب جدیدی را با عنوان حزب دموکراتیک اسلامی بنیان نهادند. این حزب از اصول اسلامی، دموکراتیک و ترکیسم حمایت می کند. به دلیل مخالفت های دولتی، حزب دموکراتیک اسلامی هنوز نتوانسته است که فعالیت های رسمی خود را آغاز نماید. به همین دلیل به طور غیر رسمی فعالیت می کند. مواضع حزب دموکراتیک اسلامی تا حدود زیادی به مواضع حزب اسلامی آذربایجان شباهت دارد. (اشرافی، 30مهرماه 1393)

3. چند حزب همسو و ده ها نهاد مدنی اسلامی فعال : در حالی که تا چند سال قبل گروه های اسلامی موجود در کشور آذربایجان در حزب اسلام و چند گروه محلی منحصر بود، به دنبال بلوغ سیاسی، تفاوت دیدگاه ها و دور ماندن از برخورد های حکومت، امروزه شاهد ده ها جمعیت و تشکل سیاسی و اجتماعی هستیم که در مقاطع گوناگون، نسبت به جریان های پیش آمده واکنش نشان می دهند و با کنار گذاشته شدن یکی، بقیه راه آنها را ادامه می دهند. امروزه وقتی از شیعیان این کشور و یا صاحب نظران سیاسی و از حضور و نفوذ آنها سوال می شود، تعداد آنها را رو به رشد می دانند. برخی از تشکل ها و گروه های سیاسی شیعیان این کشور عبارتند از:

- مرکز دفاع از آزادی اعتقادات به رهبری الگار ابراهیم اوغلو.

- حزب اتحاد به رهبری حاج خودات خودی اف

- حزب فضیلت به رهبری حاج گوندوز حاجی اف

- حزب سبز به رهبری مائیس گل علی اف

- اتحادیه اجتماعی دیرلر به رهبری آب گل سلیمان اف

- اتحادیه اجتماعی بیرلیک به رهبری نامیک بابا خان اف

- مجمع دینی مسجد جامع شهر باکو ...

علاوه بر موارد بالا، ائتلاف با سایر تشکل های همسو، از جمله تشکیل ائتلاف اتحادیه نیروهای آذربایجان، ائتلاف مقطعی با احزاب مخالف، ائتلاف مقطعی در زمان انتخابات و ارائه فهرست مشترک، ائتلاف جمعیت ها و گروه های مذهبی در حوادث نظیر حمله رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان از آن جمله هستند. (جباری، 1389، ص 180 - 181) شیعیان جمهوری آذربایجان جمع بندی:

استقرار نظام سیاسی سکولار در جمهوری آذربایجان، بعد از استقلال از شوروی، موجب شده تا اسلام به ویژه مذهب تشیع با مختصات و ویژگی های خاصی در جامعه آذربایجان و متفاوت از کشور هایی نظیر ایران و عراق شکل بگیرد. به همین دلیل، علی رغم اینکه اکثریت جامعه آذربایجان را مسلمانان و تشیع تشکیل می دهد و این کشور دومین کشور شیعی جهان اسلام است، پویش شدید اسلام سیاسی در این کشور و یا تمایل عمومی و ملی به استقرار یک نظام دینی هرگز شکل نگرفته است. هرچند این تلقی که عنصر اسلامی به طور کامل از حیات سیاسی و اجتماعی جامعه آذربایجان خارج شده است، نیز برداشت صحیحی نیست، چرا که در بستر همین شرایط خاص اجتماعی و دینی، جریانات مختلف اسلامی اعم از شیعی، سنی و وهابی-سلفی طی دو دهه اخیر در جمهوری آذربایجان شکل گرفته است. هرچند ساخت سیاسی سکولار این کشور و رویکرد های دولت آذربایجان، مانع از نقش آفرینی پویش تعیین کننده احزاب اسلام گرا در روند تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور شده است.

ایران در مشترکات با جمهوری آذربایجان به یکسانی مذهبی در کنار همسانی زبانی و فرهنگی آذری های ایران و جمهوری آذربایجان توجه نماید و از این شاخص ها در نزدیکی بیشتر با باکو بهره گیرد. در این زمینه لازم است هویت زبانی- فرهنگی آذری های ایران تقویت گردد؛ چراکه برای جذب آذری های آن سوی ارس و نیز پیشگیری از اثر گذاری فرهنگ ناسازگار آنها بر شهروندان این طرف باید بنیان های قومی آذری های ایران را تقویت کرد. در این میان نشر فرهنگ و هویت شیعی ایرانی می تواند خط اصلی و اساس راهبرد ایران باشد.

* دکتر مرتضی اشرافی ؛ کارشناس مسایل روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز

منابع:

_ اسدزاده، محمدرضا، وضعیت فرهنگی و رسانه ای مسلمانان در جمهوری آذربایجان، به نقل از شیعه نیوز، 21 اردیبهشت 1390

_ اشرافی مرتضی، تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان، پایگاه سیاسی اجتماعی کریمه اهل بیت(س)، به ادرس اینترنتی: www.karimeh.com

_ بی نا، جمهوری آذربایجان: اسلام مستقل و دولت، گزارش موسسه بحران بین المللی، 25 مارس 2008.

_ بهراد عبدالواحد، قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز، انتشارات ارک، 1372

_ جباری ولی، با همکاری محمود تقی زاده داوری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم: موسسه شیعه شناسی، 1389

_ جعفریان رسول، اطلس شیعه، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی، چاپ دوم 1388.

_ جلیلی مهدی، دلارهای نفتی و هجوم بنیادگرایان به جمهوری آذربایجان، جام جم آنلاین، 27 مهر 1392.

- _ جمهوری آذربایجان، تهران، وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، چاپ دوم، 1375.
- _ خبرگزاری آران، سال سوم، شماره 6 ؛ تحولات اجتماعی- فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی. 1390
- _ رضایی محمد ، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم ، موسسه شیعه شناسی، 1385.
- _ رسولی، محمود، اسلام ستیزی نوین در جمهوری آذربایجان، پرس تی وی، 12 بهمن 1392
- _ رضایی بونش فرزاد ، گفتگو با جوانشیر آخوندوف سفیر آذربایجان در ایران، مرکز بین المللی مطالعات صلح، آذرماه 1391
- _ عبدالواحد بهراد، ، قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز، انتشارات ارک، 1372.
- _ کوزه گر کالجی ولی ، اسلام و جریان های اسلامی در جمهوری آذربایجان، تهران: خبرگزاری فارس، 1393.